فرصت دیدن سریال پیدا نمی کنم

مائده طهماسبی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون با اشاره به حضورش در سریال «پنچری» که این روزها به کارگردانی برزو نیک نژاد برای شبکه سه سیما تولید می شود، گفت: خیلی خوشحالم که بعد از مدت ها یک کار طنز را شروع می کنم. وی ادامه داد: آخرین کار من سال ها پیش سریال «نون و ریحون» بود و حالا خیلی خوشحال هستم که با گروه حرفه ای و طنازانه «پنچری» کار می کنم. ما این کار را در شرایط خوبی آغاز کردیم و امیدوارم تا پایان هم به خوبی پیش رویم. این بازیگر درباره نقش خود در این سریال گفت: من در این سریال نقش آشفته را دارم و مریم سعادت هم خواهر من است. اتفاقات این سریال را این ۲ خواهر و فامیل ها و آشنایانشان رقم می زنند و ما یک خواهر دیگر هم داریم که فوت کرده است اما پسرش بخش دیگری از قصه را جلو می برد. طهماسبی در پایان درباره تماشای سریال های طنز تلویزیون و اینکه چقدر آنها را دنبال می کند، به مهر گفت: متاسفانه خیلی نمی توانم این سریال ها را دنبال کنم. ما فرصت کافی در زندگی خود نداریم چون برای دیدن سریال ها باید زمان مشخصی داشته باشید که بتوانید به طور مثال از ساعت ۲۱ به بعد آثار شبکه های تلویزیون را ببینید. من اما این زمان را ندارم که هر شب در منزل باشم و ببینم.

ابر بی باران در کتابفروشی ها

مجموعه شعر ابر بی باران به قلم خسرو رفیعی با شماره کتابشناسی ملی ۴۳۹۱۷۷۴ با موضوع شعر فارسی توسط انتشارات فروغ اندیشان هنر در ۷۵ صفحه و با قیمت ۱۰۰۰۰۰ ریال منتشر شد. برخی از شعرهای این مجموعه شعرهایی با نام های خطاط، خانه دوست کجاست؟ من گندمم به جرم باد، قانون عشق، غروب آفتاب، کلاه من و تو، صبح تاریک ات و ... است.

با سعید امیرسلیمانی از دیروز تا امروز

به بازی کردن عشق می‌ورزم

▪ الان یک سریال تلویزیونی بعد از ۳ ماه کار هنوز یک ریال به عواملش پول نداده یا من دو سال و نیم است که کارم تمام‌شده و سریال به پخش رسیده ولی همچنان طلبکارم. این وضعیت تلویزیون ما است

▪ به نظرم یک بازیگر حرفه‌ای اصلاً سبک و سیاق انتخاب نمی‌کند

دیدگاه خود را درمورد این گزارش به پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۱۴۲۸ ارسال نمایید

▪ اخیراً سریال سازی ما آنچنان که باید نیست. من در سریال "معمای شاه" هم‌بازی کرده‌ام ولی آن سریالی نیست که دلم می‌خواهد

▪ تئاتر قابلیت تغییر دارد و هر شب آن می‌تواند متفاوت باشد که این جدید بودن اتفاقات، جذابش می‌کند

▪ تئاترهای امروزی خلاقیت‌های بسیار جالبی دارند و خیلی موفق هستند

سعید امیرسلیمانی ازجمله بازیگران پیشکسوت ایرانی است که کارش را با بازی روی صحنه تئاتر آغاز کرد و پس از آن مسیرش برای ورود به سینما هموار شد. او بازیگری را از سنین بسیار پایین آغاز کرد و همچنان نیز یکی از بازیگران خوب سینما، تئاتر و تلویزیون ایران است. امیرسلیمانی علاوه بر اینکه خودش در این عرصه از بازیگران فعال بوده و هست فرزندانش کمند و سپند نیز راه پدر را پیش گرفتند و از بازیگران پرکار و خوب سینما، تئاتر و تلویزیون به شمار می‌آیند. هنرآنلاین در یکی از روزهای سرد زمستان میزبان این بازیگر پیشکسوت و خوش‌روی سینما و تئاتر ایران شده و با او به سال‌های گذشته رفته تاریخچه سینما و تئاتر را مرور کرده و به امروز رسیده است. آنچه در ادامه می خوانید ماحصل این گفتگو را در ادامه می خوانید.

آقای امیرسلیمانی شما از سنین کودکی وارد عرصه هنر شدید. چه عواملی شما را به بازیگری علاقه‌مند کرد و از چه زمانی به‌طور حرفه‌ای وارد کار هنری شدید؟

من در سال ۱۳۲۱ در خانواده‌ای به دنیا آمدم که پدرم هنرمند نبود ولی عاشق هنر بود. پدرم یکسری از دستگاه و ردیف‌های موسیقی را می‌دانست و دو دانگ صدایی هم داشت. تا جایی که یادم می‌آید آن زمان تمام موزیسین‌های بزرگ کشور نظیر آقایان بنان و صبا به خانه ما آمد و رفت داشتند. برخی بازیگران هم همینطور. به‌هرحال این رفت‌وآمدها باعث شده بود که من از بچگی به بازیگری علاقه‌مند شوم و در مدرسه تئاتر اجرا کنم. من در ۷، ۸ سالگی به تماشای تئاتر می‌رفتم و سپس به خانه می‌آمدم و با دو سه نفر از دوستانم تئاتر بازی می‌کردم. ۱۷،۱۸ سالم که شد دیگر وارد گروه "آناهیتا" شدم و به خدمت خانم مهین اسکویی و آقای مصطفی اسکویی رسیدم. ازآنجا دیگر کارم جدی‌تر شد و تمرکزم را روی تئاتر گذاشتم.

اولین تئاتری که با آن به روی صحنه رفتید کدام تئاتر بود؟

برای اولین بار در ۱۸ سالگی در نمایشنامه "اتللو " شکسپیر بازی کردم که در آن نمایش ۲نقش‌داشتم.یک‌سال‌بعدخانم‌اسکویی‌نمایشنامه "اینس مندو " را به روی صحنه برد. آن نمایش دو نقش بسیار جالب داشت که خانم اسکویی بازی در این دو رل را به من و محمود دولت‌آبادی سپرد. آن زمان هنوز آقای دولت‌آبادی کتابی ننوشته بود و در زمینه نویسندگی کسی ایشان را نمی‌شناخت. به‌هرحال آن نمایش را من و محمود بازی کردیم که خیلی جالب از آب درآمد. چندی بعد من نقش اصلی نمایش "غار سالامانگ " به نویسندگی "میگل د سروانتس " را بازی کردم که نقش یک پیرمرد ۹۰ ساله بود! در آن نمایش کمدی آقایان منوچهر عسگری نسب، مهدی فتحی، سعید سلطان‌پور و خانم‌ها مهین شهابی و شکوه نجم‌آبادی بازی می‌کردند.

سبک و سیاق کار کمدی را از همان زمان انتخاب کردید؟

خیر. من اصلاً سبک و سیاقی را انتخاب نکردم. به نظرم یک بازیگر حرفه‌ای اصلاً سبک و سیاق انتخاب نمی‌کند. من همه نوع نقشی اعم از نقش‌های قاتل مدرس، سرهنگ اس اس، وزیر نفت، نخست‌وزیر، وزیر دربار و... را بازی کرده‌ام.

از چه زمانی با تلویزیون آشنا شدید؟

نمایش "غار سالامانگ " را که من در ۱۹ سالگی بازی کردم، ابتدا در تلویزیون پخش شد. البته ما هیچ وقت آن نمایش‌ها را ضبط نمی‌کردیم. همه‌شان اجرای زنده بود، به‌طوری‌که من هیچ وقت اجرای خودم در آن نمایش را ندیدم؛ بنابراین اگر ما نقشمان را خراب می‌کردیم و تپق هم می‌زدیم بالاخره آن نمایش پخش می‌شد. پس‌ازآن زمان من به‌صورت مداوم در تلویزیون بازی می‌کردم که تا همین امروز ادامه دارد.

و سینما چطور؟

اولین فیلمی که در سینما بازی کردم، "آب‌نبات‌چوبی" نام داشت. من و آقای جمشید مشایخی با یکدیگر رفتیم و با کارگردان آن فیلم به توافق رسیدیم که درنهایت نقش یک راننده کامیون به جمشید داده شد و من هم شاگرد او بودم. بعد از آن یک گروه با مرحوم علی حاتمی تشکیل دادیم که اولین همکاری‌مان با مجموعه تلویزیونی "داستان‌های مولوی " آغاز شد و به همین شکل ادامه پیدا کرد. مجموعه "داستان‌های مولوی " در ۶ قسمت به روی آنتن رفت که سر همان سریال، نطفه سریال "سلطان صاحبقران " بسته شد. من‌بعد از آن‌هم به ترتیب فیلم "سوته‌دلان " و سریال "هزاردستان " را با آقای حاتمی کارکردم.

سرنوشت حضورتان در تئاتر آناهیتا به کجا رسید؟

من در تئاتر آناهیتا مشغول بودم که به درخواست محمود دولت‌آبادی به اداره تئاتر رفتم و در آنجا مرا پذیرفتند. پس از آن گفتند به کدام گروه می‌پیوندی؟ من با آقای رکن‌الدین خسروی دوست بودم و به گروه ایشان پیوستم. زمانی که من به آن گروه پیوستم، آقای خسروی داشت نمایش "از پشت شیشه‌ها " را کار می‌کرد که به‌محض ورودم، یک نقش هم به من داد. پس از آن که آقای خسروی از اداره تئاتر رفت، آقای دیلمقانی به آنجا آمد که من مدتی در گروه ایشان فعال بودم. بعد از آن من به همراه آقایان مشایخی، والی، شیراندامی، امامی و خانم‌ها لاچینی و فرخی یک گروه بودیم. از یک جایی به بعد موعد بازنشستگی کارگردان‌های اداره تئاتر فرارسید و من دیدم که دیگر کارگردانی نمانده که با او کارکنم، بنابراین تصمیم گرفتم که خودم کارگردانی کنم.

زمانی که وارد تئاتر شدید تحصیلات دانشگاهی را گذرانده بودید؟

تئاتر آناهیتا برای ما یک کلاس دانشگاه بود. ما در حضور اسکویی‌ها فن بیان، شمشیربازی و گریم می‌خواندیم و اتود می‌کردیم. همه‌مان حدود یک سال این کلاس‌ها را گذرانده بودیم و بعد از آن بود که در نمایشنامه‌هایشان از ما استفاده کردند. متد استانیسلاوسکی را برای اولین بار گروه آناهیتا به ایران آورد. ما با این متد آشنایی پیدا کردیم و آموزش دیدیم که چگونه باید روی صحنه بازی کنیم؛ بنابراین ما تربیت‌شده آن کلاس و آن متد هستیم.

از وقتی‌که وارد حوزه هنر شدید، شغل دیگری را تجربه نکردید؟

بعد از انقلاب که برای مدتی کارهای هنری تعطیل‌شده بود، چند کار غیرهنری انجام دادم ولی آن‌کاره نبودم و دوباره سعی کردم که به تئاتر برگردم. بنابراین غیرازآن مدت کوتاه من دیگر هیچ فعالیت غیر هنری انجام نداده و دائماً در کار هنر بوده‌ام.

اولین نمایشنامه‌تان را در چه زمانی نوشتید و کدام نمایشنامه بود؟

من توانایی دست‌به‌قلم شدن دارم ولی خیلی در این زمینه تنبل هستم. تا جایی که یادم می‌آید طراح خیلی خوبی هم بودم. همواره نمایشنامه‌ها را دراماتورژی می‌کردم چون اکثراً دیالوگ‌هایشان امروزی نبود و من سعی داشتم آن‌ها را جوری تغییر بدهم که در دهان بچرخد و شکل امروزی‌تری پیدا کند.

از کدام اثر بود که مردم شمارا به‌عنوان یک چهره شناختند؟

با تأسف باید گفت که این اتفاق در تئاتر نیفتاد و یک سریال تلویزیونی باعث آن شد. من تئاترهای خیلی خوبی بازی کرده بودم ولی مردم مرا نمی‌شناختند.

و بعد وضعیت حضورتان در سینما چطور شد؟

اولین فیلمی که بعد از انقلاب بازی کردم، فیلم "خط قرمز " آقای مسعود کیمیایی بود که هیچ‌گاه اکران نشد. بعد از آن در دهه ۶۰ در فیلم‌های "جنجال بزرگ " (سیاوش شاکری)، "مردی که موش شد " (احمد بخشی)، "کفش‌های میرزا نوروز " (محمد متوسلانی)، جمیل (احمد بخشی) و روز باشکوه (کیانوش عیاری) به ایفای نقش پرداختم.

در این خلال همچنان کار تئاتر را هم ادامه دادید؟

بله. به‌هرحال من کارمند اداره تئاتر بودم و آن را تا بازنشستگی در سال ۷۳ ادامه دادم. یک نمایش به نام "شب سیزدهم " با آقای حمید امجد کارکردم که خیلی از آن استقبال شد. آخرین نمایشی که در تهران به روی صحنه رفتم، نمایش "هفت داستان " اسماعیل خلج بود.

در تمام این سال‌ها کدام اثر بیشتر به دلتان نشست؟

اکثر تئاترها را به‌جز چند نمایش انگشت‌شمار دوست داشتم. من یک بازیگر حسی هستم و هر نقشی که دوست داشته باشم را با تمام وجودم بازی می‌کنم. بنابراین من به بازی کردن عشق می‌ورزم و آن را دوست دارم. معمولاً مرسوم است که در این مواقع آدم آخرین کارش را به یاد می‌آورد. مثلاً من عاشق نمایش "فراموش‌نامه" هستم. در فیلم‌های سینمایی هم "مهریه بی‌بی" (اصغر هاشمی) را دوست داشتم چون برای آن زحمت‌کشیده بودم. از میان کارهای تلویزیونی هم مجموعه "مخمصه " را خیلی دوست داشتم.

مدیوم‌ها برایتان فرقی دارد؟ اینکه در تئاتر کارکنید، در سینما و یا در تلویزیون.

الان دوست دارم بیشتر تئاتر کنم، چون اخیراً سریال سازی ما آنچنان که باید نیست. من در سریال "معمای شاه" هم‌بازی کرده‌ام ولی آن سریالی نیست که دلم می‌خواهد، چون آقای ورزی را دوست داشتم دعوت ایشان را قبول کردم و به این سریال پیوستم. برای جشنواره فیلم فجر هم در فیلم "سوفی و دیوانه " آقای کرم‌پور در چند سکانس بازی کرده‌ام. برای این فیلم خانم مهدوی (مدیر تولید) با من تماس گرفت و گفت که این نقش را به آقای عزت‌الله انتظامی پیشنهاد داده‌ایم ولی آقای انتظامی به سنی رسیده که شاید نتواند جلوی دوربین برود. من با خودم فکر کردم و دیدم که نقشی که به آقای انتظامی پیشنهادشده، باید نقش خوبی باشد؛ بنابراین پذیرفتم و گفتم که می‌آیم. به‌هرحال من سر صحنه این فیلم رفتم و همه سکانس‌های نقشی که در خانه سالمندان داشتم را در دو روز گرفتند. این نقش جوری بود که می‌توانستم خودم را نشان دهم ولی دیگر هر کاری را در حوزه تصویر انجام نمی‌دهم؛ اما در تئاتر با جدیت کارخواهم کرد چون تئاتر شوخی ندارد.

معمولاً تئاتری‌ها می‌گویند که ما دم‌به‌دم بودن با مخاطب را حس می‌کنیم درحالی‌که در حوزه تصویر رسانه میان بازیگر و مخاطب فاصله می‌اندازد. شما نیز چنین حسی رادارید؟

بله، ما در تئاتر نفس تماشاچی راداریم که با این نفس عشق می‌کنیم. تئاتر قابلیت تغییر دارد و هر شب آن می‌تواند متفاوت باشد که این جدید بودن اتفاقات، جذابش می‌کند. ما گاهی روی صحنه لحظاتی خلق می‌کنیم که تماشاگر بهمان می‌گوید آن کار جالب بود یا خیر. اگر آن کار برای تماشاگر جالب باشد، آن را در شب بعدی تکرار می‌کنیم و اگر او بازخورد منفی بهمان بدهد، کنارش می‌گذاریم. ما که تجربه‌مان بالاتر است این بازخوردها را راحت‌تر حس می‌کنیم تا میان ما با مخاطبان بهترین ارتباط برقرار شود.

متد استانیسلاوسکی هنوز هم در تئاتر ما کاربرد دارد. به نظرتان این متد را چقدر می‌توان تغییر دارد؟

هر هنری یک الفبایی دارد. الفبای موسیقی نت‌های ۷ گانه است. تئاتر هم الفبای خودش را دارد که هر تئاتری باید آن الفبا را بداند. آقای استانیسلاوسکی و افراد دیگر این الفبا را درست کرده‌اند و تئاتری‌ها باید آن را یاد بگیرند. اگر شما آن الفبا را بدانید، می‌توانید در همان چارچوب تغییر هم ایجاد کنید. تئاترهای امروزی خلاقیت‌های بسیار جالبی دارند و خیلی موفق هستند. سال پیش تئاتر "عامدانه، عاشقانه، قاتلانه " به کارگردانی خانم ساناز بیان را دیدم که بهاره رهنما، نسیم ادبی، سهیلا صالحی و فروغ قجابگلی آن را بازی می‌کردند. آن نمایش شاهکار بود و من از اینکه یک خانم ۲۷،۲۸ ساله آن را کارگردانی کرده لذت بردم.

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ یک سری سریال و فیلم‌های سینمایی ساخته شدند که مورد استقبال زیاد مردم قرار گرفتند و مخاطبان تلویزیون و سینما پلان به پلان آن سریال و فیلم‌ها را در ذهنشان به یاد می‌آورند؛ اما الان که ما در این زمینه‌ها رشد کرده‌ایم دیگر آثارمان آن ماندگاری گذشته را ندارند. به نظرتان دلیلش چیست؟

در آن سال‌ها سریال‌های "سربداران"، "هزاردستان"، "سلطان و شبان" و... طرفداران زیادی داشتند که به نظرم دلایل زیادی برای موفقیت شان وجود داشت. شما ببینید که الان یک سریال تلویزیونی بعد از ۳ ماه کار هنوز یک ریال به عواملش پول نداده یا من دو سال و نیم است که کارم تمام‌شده و سریال به پخش رسیده ولی همچنان طلبکارم. این وضعیت تلویزیون ما است. تلویزیون ما الان بودجه ندارد و با کلاه کلاه کردن برنامه می‌سازد. الان خیلی از کارگردان‌های تلویزیون کار بلد نیستند و خیلی از کار بلدها هم از بازیگرانی استفاده می‌کنند که نه‌تنها پول نمی‌گیرند بلکه پول هم می‌دهند تا بازی کنند. شما وقتی یک قورمه‌سبزی درست می‌کنید که لوبیای آن نمی‌پزد و چندین مشکل دیگر دارد، معلوم است که کسی قورمه‌سبزی‌تان را نمی‌خورد.

الان خیلی از بازیگران و کارگردان‌های همان نسل درخشان سریال‌های دهه ۶۰ همچنان حضور دارند و کار می‌کنند، پس چرا کارشان به‌خوبی آن روزها درنمی‌آید. می‌شود گفت که کمبود بودجه دلیل افت کیفیت آثار تلویزیونی است؟

بچه‌های ما هیچ کدام پولکی نیستند ولی می‌خواهند که کارشان خوب باشد و کار خوب هم بودجه خوب می‌خواهد. الآن خیلی از پول‌هایی که به تهیه‌کنندگان داده می‌شود تا به خرج سریال برسند، برای سریال هزینه نمی‌شوند. شما داشته‌های تهیه‌کنندگان دهه ۶۰ و ۷۰ را با داشته‌های تهیه‌کنندگان فعلی مقایسه کنید همه‌چیز را متوجه می‌شوید.

طی یک سال اخیر به‌جز فیلم "سوفی و دیوانه" و سریال "معمای شاه " در فیلم یا مجموعه دیگری بازیگری نکردید؟

۷،۶ ماه پیش یکی از تهیه‌کنندگان که دوست سپند و کمند بود از من درخواست کرد که دریکی از سریال‌های شبکه نسیم بازی کنم. به من گفتند که قرار بود آن نقش را آقای خمسه بازی کند که ایشان سر ضبط نرفته است. کاراکتری که قرار بود من بازی کنم، کاراکتری بود که از آلمان آمده بود و بازیگر آن باید آلمانی می‌دانست. البته آقای خمسه فرانسوی می‌داند و نمی‌دانم که قرار بود چه‌کار کنند. به‌هرحال من رفتم و در چند لحظه به زبان آلمانی هم‌صحبت کردم.

این روزها مشغول چه‌کاری هستید؟

من این روزها چون مشغول مداوای بیماری‌ام هستم، کار هنری نمی‌کنم.

به اجرای یک تئاتر جدید فکر نمی‌کنید؟

اگر یک نمایشنامه کمدی خوب به دلم بچسبد، آن را به روی صحنه خواهم برد. به بچه‌ها سفارش کرده‌ام که اگر چنین نمایشنامه‌ای پیدا کردند به من خبر بدهند.

کوتاه از هنر

«نگاره های بارون» در شکوه

آفتاب یزد: نمایشگاه نقش مایه های روی سفال و چوب «گروه آفرینش های هنری بارون » فردا جمعه ۲۴ دی ماه ۹۵ در گالری شکوه افتتاح می شود. «نگاره های بارون» عنوان این نمایشگاه است که احمد جعفری و مهرشید مظفریان ۲۰ اثر شامل نقش مایه هایی که با لعاب روی سفال و با آبرنگ ، پاستل و رنگ های مختلف روی چوب کار شده است را به تماشا می گذارند. آثار این نمایشگاه که با موضوعات متنوعی به صورت تزیینی، با طرح های سنتی و مذهبی و طرح های مدرن کار شده اند تا ۲۹ دی ماه در گالری شکوه در معرض دید علاقمندان قرار خواهند داشت.

رمان جدید «موراکامی» می آید

«آسوشیتد پرس» نوشت: «هاروکی موراکامی» داستان‌نویس ژاپنی است که انتشار هر کار جدید او بازتاب بین‌المللی دارد. ناشر او این‌بار اعلام کرده نام کار جدیدش «قتل یک فرمانده شوالیه» است و این کتاب در تاریخ ۲۴ فوریه (ششم اسفندماه) در ژاپن توزیع می‌شود. به گزارش ایسنا، «شینچوشا» ناشر کتاب‌های این نویسنده هنوز درباره ترجمه و بازار بین‌المللی این رمان اظهارنظری نکرده است. با این حال او اشاره کرده که کار جدید نویسنده «جنگل نروژی»، رمان بلندی است و در دو جلد روانه بازار می‌شود. «قتل یک فرمانده شوالیه» که ۲۰۰۰ صفحه دارد، چهاردهمین رمان او به حساب می‌آید.

«لانتوری» در بلغارستان

فیلم سینمایی «لانتوری» ساخته رضا درمیشیان در سی‌ودومین حضور جهانی خود در نهمین جشنواره فیلم منار صوفیه بلغارستان به نمایش درخواهد آمد. نهمین دوره جشنواره منار صوفیه از روز گذشته (۲۳ دی) آغاز و تا ۷ بهمن برگزار خواهد شد. به گزارش خبرآنلاین، «لانتوری» عاشقانه‌ای پرالتهاب در دل جامعه است. عشقی که به جنون ختم می‌شود.

کوئن ها وسترن می‌سازند

برادران سرشناس عالم سینما با ساخت سریالی درباره غرب وحشی نخستین گام‌های خود را در دنیای برنامه‌سازی تلویزیونی برمی‌دارند. این سریال کوتاه که «تصنیفی برای باستر اسکراگز» نامیده خواهد شد، احتمالا در سینما هم اکران خواهد شد. آنها این برنامه را برای شرکت فیلمسازی آناپورنا می‌سازند که تهیه فیلم‌های مشهوری چون «او» به کارگردانی اسپایک جونز، «اخاذی آمریکایی» به کارگردانی دیوید او.راسل و «استاد» به کارگردانی پل توماس اندرسون را در کارنامه دارد. فیلمنامه این اثر را برادران کوئن بر پایه ایده‌ای اصیل و غیراقتباسی در ژانر وسترن می‌نویسند و کارگردانی آن را نیز خودشان بر عهده خواهند داشت. به گزارش خبرآنلاین، برادران کوئن در واکنش به انتشار خبر ساخت این سریال کوتاه اعلام کردند که از همکاری با مدیران کمپانی آناپورنا هیجان بسیاری دارند.

«پرستاران» به قسمت ۲۵ رسید

سریال «پرستاران» به کارگردانی شهرام شاه حسینی و محمودرضا تخشید و نویسندگی علیرضا افخمی این روزها در لوکیشن خانه سمیرا واقع در میدان ولیعصر مقابل دوربین رفته است. الناز حبیبی، رضا توکلی، نسرین نکیسا و ایمان باقری در این لوکیشن مقابل دوربین رفته‌اند. تاکنون ۲۲ قسمت از این سریال تدوین نهایی شده است و تا قسمت ۲۵ ضبط شده است. به گزارش فارس، در ابتدا این سریال به نویسندگی و کارگردانی علیرضا افخمی مقابل دوربین رفت و کلید خورد، اما به دلیل تسریع در سرعت نگارش و ضبط سکانس‌ها و رساندن به زمان پخش مورد نظر سازمان، شاه حسینی جایگزین افخمی در بخش کارگردانی شد و افخمی نویسندگی سریال را به عهده گرفت.

دلنوشته

روایت فراق

محمدحسن اصغرنیا

یار دیرین امام و امت
مرد میدان جهاد و خدمت
بعد یک عمر تلاش و کوشش
زین جهان رفت ولی با عزت
رفت و مهمان بهشتی ها شد
هاشمی، همسفر گل ها شد
وای آنان که او را، آزردند
آن کسانی که دلش افسردند
با بد اخلاقی و هتک حرمت
روح چون برگ گل اش پژمردند
هاشمی، ز آن همه غم، راحت شد
فارغ از رد صلاحیت شد
یاد آن روز که فرقان پلید
خواست تا بشکند این سرو رشید
داد پیغام امامش که بود
هاشمی زنده و نهضت جاوید
او مینیاتور مقاومت، صفیر صلح و صفا و صمیمیت، شاگرد بنیان گذار نظام و یاور رهبری، افتخار اسلام و ملت ایران، موسس بزرگترین دانشگاه حضوری جهان، دانشمندی دیپلمات که شرق و غرب، کلماتش را با دقت می شنید و می پذیرفت و استاد هنر دیپلماسی بود و وجب به وجب خاک پاک وطن را می شناخت و از استعدادهای مادی و معنوی کشور با خبر بود. کانون مهر و محبت بود و زینت و ضیاء منبر و مجلس و اهالی تاریخ فرهنگ و هنر بود و منادی ادب و اخلاق و انسانیت و ملجأ و پناه درماندگان و توانخواهان و یار و یاور مستضعفان زمان و زمین و ...
دوری و فراقش برایمان جانکاه است ولی یاد و راهش همواره زنده و جاوید خواهد ماند و افکار و اندیشه هایش برای ما و نسل های فردای ایران زمین چراغ و مشعلی پر فروغ خواهد بود. امید است آیین زنده دوستی برقرار کنیم.

سینمای جهان

«جکمن» با «لوگن» در برلین

«لوگن» که دنباله دو فیلم «خاستگاه مردان ایکس: ولورین» (۲۰۰۹) و «ولورین» (۲۰۱۳) و دهمین قسمت از مجموعه فیلم‌های «مردان ایکس» محسوب می‌شود، به کارگردانی «جیمز منگولد» و با بازی «هیو جکمن» در نقش اصلی در بخش غیررقابتی شصت‌وهفتمین جشنواره فیلم برلین رونمایی می‌شود. فیلم «لوگن» که در آن بازیگران دیگری چون «پاتریک استوارت» و «دافنه کین» ایفای نقش می‌کنند درباره یک «ولورین» سالخورده است که قدرت‌هایش رو به تحلیل است. این فیلم پیش از اکران عمومی خود در ماه مارس ۲۰۱۷در جشنواره برلین به روی پرده می‌رود. فیلم «شب تنها در ساحل» به کارگردانی «هونگ سانگ سو» از کره جنوبی، «بار» به کارگردانی «الکس دلا ایگلسیا» از اسپانیا، «شب‌های روشن» ساخته «توماس آرسلان» محصول آلمان و نروژ، «یواخیم»به کارگردانی «مارسلو لوپز» محصول مشترک برزیل و پرتغال، «آقای لانگ» از «سابو» (ژاپن، آلمان، هنگ‌کنگ، چین، تایوان)، «بازگشت به مونتاک» از «وُلکر شلندروف» (آلمان، فرانسه، ایرلند) و «موش وحشی» ساخته «جوزف هادر» (اتریش) نیز فیلم‌هایی هستند که به فهرست بخش رقابتی برلین اضافه شدند. پیش از این نیز ۱۰ فیلم به عنوان اولین فیلم‌های حاضر در بخش رقابتی برلین معرفی شده بودند. به گزارش سینماسینما، به نقل از سایت جشنواره برلین، شصت‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین از ۹ تا ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ (۲۱ بهمن تا اول اسفند) در آلمان برگزار می‌شود و امسال ریاست هیئت داوران بخش رقابتی جشنواره را «پل ورهوفن» کارگردان هلندی برعهده دارد.

موسیقی

کارگاه معتمدی در ایتالیا

محمد معتمدی خواننده موسیقی ایرانی همزمان با شرکت در فستیوال «اریچتا» کشور ایتالیا برای علاقه مندان موسیقی ایرانی کارگاه آواز برگزار می کند. محمد خرمی مدیر برنامه‌های محمد معتمدی در تشریح جزییات سفر این خواننده موسیقی ایرانی به ایتالیا به مهر توضیح داد: محمد معتمدی که از چندی پیش برای شرکت در فستیوال اریچتا عازم رم شده در طول برگزاری این رویداد موسیقایی کارگاه آواز ایرانی را برای مخاطبان و علاقه مندان موسیقی ایرانی برگزار می کند که خوشبختانه ثبت نام این کارگاه ها با استقبال مخاطبان مواجه شده است.